



عکس: AP

سیدجلال ساداتیان در گفت و گو با «شهروند» مطرح کرد:

ضرورت تشکیل ائتلاف بین المللی علیه خشونت و افراطی‌گری

جامعه را مسموم ساخته بود بوده‌ایم، مسلمانان با تمامی توان در برابر نابرابری‌ها ایستادگی می‌کنند تا این مکتب و منش پایه‌گذاری شود. اصول مکتب اسلام بر مرامات و گرفتن حد وسط و اعتدال در همه جنبه‌های رفتاری و فکری زندگی فردی و جمعی است. افراط و تفریط به‌طور کامل در اسلام از سوی بزرگان دین نکوهش شده است. اسلام در تمامی اعصار تأکید دارد با کسانی که تندروی می‌کنند و رفتارهای افراط‌گرایانه از خود نشان می‌دهند ایاحتی سستی در انجام امور دارند و جانب تفریط را پیشه می‌کنند، مقابله شود. زیرا بی‌اعتنایی و بی‌تفاوتی به امور جامعه، بزرگترین گناه بوده و بیشترین ضرر را به همگان می‌رساند. همچنین این افراد از سوی نگاه جمع، کاملا توبیخ شده و این گونه افراد جایگاه مناسبی در جامعه نخواهند داشت.

رعایت جوانب اعتدال و رعایت اصول و چارچوب‌ها در مسیری که سرنوشت آحاد انسانی و جوامع را ساماندهی کند، از سوی همگان با هر نوع نگرش و گرایش‌های مورد تأیید قرار می‌گیرد. همچنین ایجاد فضایی که زمینه اعتدال و مبارزه با خشونت و افراطی‌گری را در سطح ملی و بین‌المللی فراهم کند، از سوی کسانی که برای تحقق زمینه‌های ایجاد زندگی انسانی در تمامی حوزه‌ها تلاش می‌کنند و مانع هر نوع انحراف و تنش‌های ملی و همچنین در سطح بین‌المللی می‌شوند و با هر نوع خشونت و افراط‌گرایی مقابله می‌کنند، مورد تحسین و ستایش آزاد اندیشان و آزادخواهان قرار می‌گیرد. این افراد به‌عنوان رهبران واقعی جامعه اعتدال‌گرا، مسیر حرکت افراد را در جوامع خواهان صلح و امنیت جهانی ترسیم کرده و همواره برای رسیدن به آرمان‌های مبارزه با هر نوع خشونت علیه افراد، مبارزه کرده و راهگشای راه مبارزه علیه خشونت برای دیگران می‌شوند. اکنون سازمان‌های بین‌المللی به‌خصوص در چارچوب سازمان ملل

مبارزه با خشونت و افراطی‌گری در باورهای دینی بطور ترسیم شده است؟ عقل همواره حکم می‌کند، جانب اعتدال در تمامی امور گرفته شود و عقلا هم بر این مسأله تأکید دارند. در تمامی ادیان با مقابله با هر نوع خشونت و ظلم و اجحاف به ضعیفان اشاره شده است. دین اسلام به‌عنوان پیشرو در ایجاد اعتدال در رفتار و منش انسانی کامل‌ترین روش را برای پایه‌گذاری مبارزه با هر نوع خشونت و ظلم دارد. چرا که ما شاهد برچیدن هر نوع برده‌داری و بی‌عدالتی در زمانی که زورگویی توسط اشراف و قدرتمندان به شدت جو

تنش‌ها را به کلی تحت تأثیر قرار داده و مردم این مناطق آواره شده‌اند و ضررهای هنگفت مادی و معنوی بر آنها وارد شده است.

در مقابل این افراطی‌گری‌ها اما، برخی از مبارزات سمت‌وسوی دفاع از استقلال و کسب آزادی دارد، از جمله نهضت آزادی‌بخشی و گروه‌های مبارز فلسطینی، که رژیم صهیونیستی و حامیان او، آنها را تندرو و تروریست می‌خوانند. درحالی‌که پدیده ترور در اواخر قرن بیستم و اوایل قرن بیست‌ویکم شکل گرفت، که به معنای ترور سیاسی افرادی بود که در مقابل اهداف و ایده‌های گروه‌های سیاسی با گرایش‌های خاص قرار می‌گرفتند و مانع از تحقق مقاصد آنها می‌شدند. اما تشکیل گروه‌های تندرو و فرقه‌های که اکنون در منطقه شاهد آن هستیم، تاکنون از سوی سازمان ملل مورد توبیخ و برخورد جدی قرار نگرفته است. در کمیته سوم سازمان ملل، که به کار نهضت‌های آزادی‌بخش رسیدگی می‌شود، اما تاکنون هیچ اشاره خاصی به مبارزه علیه خشونت و افراطی‌گری که بسیار وسعت یافته، نشده است. در حال حاضر نقش کشورها در قالب اتحادیه‌ها و تشکیل ائتلاف‌ها برای مقابله با این نوع خشونت‌طلبی و افراطی‌گری ضرورت یافته است. آمریکا با همکاری کشورهای همپیمان خود در اروپا که ۱۲ کشور هستند، با تشکیل ائتلاف غربی در صدد فرونشاندن خطر جدی داعش در منطقه برآمده است و نقش ایران به‌عنوان یک کشور مهم و تأثیرگذار در میادلات منطقه‌ای و حتی جهانی مورد توجه جبهه غرب قرار گرفته است تا در مقابل افراطی‌گری و خشونت در منطقه مبارزه همه‌جانبه‌ای صورت پذیرد. اما برخی از این کشورها با حضور مستقیم ایران در این ائتلاف مخالف هستند که البته جنبه سیاسی دارد. اما به‌زودی آنها باید با ایران به تفاهم مشترک برای سرکوب کردن این هجمه فرقه‌های که علیه آزادی و امنیت منطقه‌ای و حتی جهانی شکل گرفته است، برسند.

ایران چگونه می‌تواند در منطقه برای مبارزه علیه خشونت و افراطی‌گری نقش آفرینی کند؟

ایجاد امنیت و رسیدن به آرامش، اکنون به آرمان‌های واقع‌گرایانه از سوی اندیشمندان و طرفداران صلح جهانی تبدیل شده است و حتی بسیاری از کشورها به این نتیجه رسیده‌اند که با ایجاد امنیت و رسیدن به صلح پایدار بهتر می‌توان به منافع و اهداف خود در بلندمدت دست یابد. اما برخی هم این گونه فکر می‌کنند که با ایجاد وجود خشونت و جنگ، منافع سیاسی و اقتصادی آنها بیشتر تأمین می‌شود و معمولاً از گروه‌ها و فرقه‌های افراطی مستقیم و غیرمستقیم حمایت مادی و معنوی می‌کنند.

نمونه آن طالبان در افغانستان است که آمریکا برای مقابله با اشغال افغانستان توسط نیروهای اتحاد جماهیر شوروی سابق، این گروه را حمایت کرد تا از قدرت جهانی آنها برای مقابله با توسعه نظام کمونیستی استفاده کند. اما همین گروه الان به جراحی عمیق برای تأمین امنیت در افغانستان از سوی آمریکا بدل گشته‌اند. در ماجرای اخیر سوریه نیز شاهد آن بوده‌ایم که عربستان و قطر از برخی گروه‌های تندرو مثل تکفیری‌ها و جبهه النهضة حمایت کردند، اما داعش با آنها هم درگیر شده و به عربستان هم فحاشی می‌کند. ولی ایران همواره نشان داده است که برای مقابله با خشونت و افراطی‌گری طرفدار حمایت از مظلومان بوده و برای رسیدن به آزادی آنها تلاش می‌کند و با صراحت از نهضت‌های آزادی‌بخش حمایت کرده است. قانون اساسی ایران هم بر جنبه ایدئولوژیک این گونه حمایت‌ها تأکید داشته است.

در طرف مقابل هم، با وجود حمایت‌های کشورهای مختلف از گروه‌های افراطی که به تشکیلات نظامی و دفاعی بسیار قوی هم مجهز شده‌اند، ایران جنبه دفاعی‌اش را در مقابل این گروه‌ها حفظ کرده است و جبهه غرب و جامعه جهانی هم می‌دانند که نمی‌توانند، نقش ایران را در مبارزه با داعش نادیده بگیرند. دولت‌مداران ایران باید از این فرصت تاریخی برای ثابت کردن حسن‌نیت خود برای تأمین امنیت جهانی و دفاع از صلح پایدار در منطقه بهترین بهره‌برداری را داشته باشند و به دور از افکار و گرایش‌های خاص سیاسی و صرفاً در جهت تأمین منافع ملی، در این ائتلاف بین‌المللی حضور یابند تا به دنیا و افکار عمومی جهانی که توسط تبلیغات سوء اسرائیل و برخی حامیان غربی او لطمه دیده است و ایران را تروریست و مدافع تروریسم می‌دانند حقایق خود را به اثبات برساند و برای مقابله با هر نوع خشونت و افراطی‌گری و با حضور مستقیم و موثر این هجمه فکری را به‌طور کلی از میان ببرد.

ادامه از صفحه ۹

سیر تطور تاریخی افراطی‌گری در خاور میانه

تاریخ نشان داده است که شکل‌گیری جریان‌های افراطی نیازمند دو اهرم قوی است؛ یکی هدایت‌کنندگان فکری باهوش و آگاه که می‌دانند در چه عرصه‌ای گام برمی‌دارند و دیگری پیروان و حامیان جاهل و نادان و درعین‌حال متعصب یا هنجار شکنی سرخورده که مجری اوامر و خواسته‌های گروه نخست هستند.

شکل‌گیری خواجه در قرن نخست هجری و هدایت‌کنندگان و پیروان این جریان صدق ادعای ما را اثبات می‌کند. در رابطه با شکل‌گیری جریان‌های افراطی - سلفی معاصر نیز این دو اهرم کاملاً هویدا است. مشخص است که پشت پرده شکل‌گیری این گروه‌های افراطی هدایت‌کنندگان باهوش و فرصت‌طلبی هستند که منافع آنان در گرو نامتی و هرج و مرج موجود در منطقه است. خط دهندگانی که هیچ تمایلی به اتحاد دنیای اسلام و قدرت گرفتن امت اسلامی ندارند و خواهان ضعف و فترت دولت‌های اسلامی هستند.

هوپزه با پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام‌خمینی (س) که گفتمان اسلام ناب‌محمدی (ص) و وحدت دنیای اسلام به صورت جدی مطرح شد، هدایت‌کنندگان آگاه و مترصد فرصت، برای جلوگیری از شکل‌گیری گفتمان انقلاب اسلامی که در حقیقت یکپارچگی و همبستگی فکری مسلمانان را به دنبال داشت، اقدام به تشکیل گروه‌های تندرو و افراطی کردند.

درباره گروندگان به جریان‌های افراطی - سلفی باید به این نکته اشاره کرد که به‌سان عروسک خیمه‌شب‌بازی اخیر حرکات دستان گروه هستند. تعصب‌های جاهلانه، بیسوادی، فخر اقتصادی و فرهنگی همه عوامل هستند که این افراد را به نفیست در جریان‌های تکفیری سوق می‌دهد؛ که اگر کشورهای اسلامی منطقه با تدوین برنامه‌های صحیح و عادلانه در رابطه با نیازهای فرهنگی و اقتصادی شهروندان خویش قدم بردارند، طبیعتاً پیوستن به جریان‌های افراطی با چالش مواجه خواهد شد.

از سویی با ریشه‌یابی رفتار افراد هنجار شکن و سرخورده که به سمت جریان‌های افراطی گرایش پیدا می‌کنند، می‌توان از پیوستن آنان به این گروه‌ها جلوگیری کرد؛ طبیعتاً اقتصاد و فرهنگ نقش بارز و اساسی در پیوستن افراد به فرقه‌های تندرو بازی می‌کند.

کوتاهی کشورهای اسلامی منطقه در توجیه جوانان و آگاه ساختن آنان از زوایای پنهان شکل‌گیری این گروه‌ها، علاوه بر تبلیغات گسترده جریان‌های سلفی - تکفیری و دلارهای آل سعود نقش موثری در پیوستن جوانان حتی از کشورهای اروپایی به این گروه‌ها دارد.

باید به یک نکته اساسی توجه شود که همیشه ضعف بینش صحیح اجتماعی و سیاسی که شاخص انسان فرهنگ‌مدار است، سبب پیدایش و تقویت این گروه‌ها می‌شود. خاورمیانه‌ای که مهد فرهنگ و تمدن بشر بوده و ادیان ابراهیمی را برای سعادت بشر عرضه کرد، نباید چون اسیر افراط و جهل و تعصب تک‌گورانه شود که برخلاف سابقه روشن و فرهنگ‌مدارانه خویش، اکنون خرافه و سطحی‌نگری شود. امید است خاورمیانه خاستگاه فرهنگ و تمدن دیرینه بشر را بازگشت به اصل نخستین، روزهای درخشان گذشته خود را تکرار کند.

این تیمی با اعتقاد به حرام بودن سفر به قصد زیارت پیامبر (ص) و بی‌اعتقادی به فضایل ذکر شده برای اهل بیت پیامبر (ص) و جایز نبودن ساخت سایبان و بارگاه برای قبور و مسائلی از این دست، باب افتراق و درگیری‌های بی‌شماری را در دنیای اسلام گشود.

اگر چه در آن عصر تفکرات این تیمیه پیروان چندانی برای خود پیدا نکرد، اما با ظهور محمدبن عبدالوهاب در شبه جزیره عرب و تأسی او به اندیشه‌های این تیمیه، در نتیجه نوبت در باره سلفی‌گری و اندیشه‌های افراط‌گرایانه گشوده شد. اندیشه‌های محمدبن عبدالوهاب با حمایت مالی و نظامی خاندان سعود توانست سرزمین عربستان را درنوردد و تفکر حاکم بر مهد ظهور اسلام شد.

محمدبن عبدالوهاب با تخطئه اعمال و مناسک مسلمانان (چه شیعه و چه سنی) به‌زعم خود درصد معرفی اسلام راستین برآمد و در این راه هر کس که با اندیشه او به مخالفت برمی‌خاست، با برجسب تکفیر و خروج از اسلام مواجه می‌شد که پیامد این تفکر ریختن خون مسلمانان به بهانه مخالفت با فکر و اندیشه او بود.

با وجود دلارهای نفتی آل سعود و سرمایه‌گذاری عظیم درباره بسط اندیشه‌های تکفیری، آب‌شخور مناسبی برای پیدایش گروه‌ها و فرقه‌های تندرو با تفکرات افراط‌گرایانه و تکفیری به وجود آمد.

با پایان جنگ جهانی دوم و تثبیت قدرت منطقه‌ای عربستان سعودی و به برکت دلارهای نفتی شاهد شکل‌گیری منسجم‌تر جریان‌های افراطی - تکفیری هستیم که تحت عناوین مختلف در کشورهای خاورمیانه پا به عرصه وجود گذاشتند و هم‌زمان با پیروزی انقلاب اسلامی ایران و تجاوز اتحاد جماهیر شوروی به افغانستان به رشد سریع خود ادامه دادند. القاعده در عربستان سعودی، عراق، افغانستان، پاکستان و... سپاه صحابه در پاکستان، طالبان در افغانستان، برخی گروه‌های سلفی میانه‌رو نظیر اخوان المسلمین در مصر، گروه‌های سلفی - افراطی معارض با انقلاب اسلامی ایران که نام‌هایی مانند جندالله و جیش العدل

برای خود بر گزیدند، گروه‌های منتسب به القاعده در اردن و کشورهای شمال آفریقا، داعش در عراق و سوریه، جبهه النصره و ارتش آزاد در سوریه، مجاهدان افراطی و سلفی در قفقاز و چین، بخشی از این جریان‌های افراطی بانگ‌رش سلفی در منطقه خاورمیانه هستند که آرامش و امنیت را در یکی از حساس‌ترین مناطق جهان سلب کرده‌اند.

هدف از نگاشتن این سطور، پرداختن به تاریخ جریان‌های افراطی نوظهور و معاصر نیست، بلکه تبیین علل شکل‌گیری این جریان‌های گسترده در خاورمیانه و مورد نقش قرار دادن برادران دینی توسط گروهی از به‌ظاهر مشرکان است.

گروه‌های تکفیری - سلفی که به گفته خود هدف پیاده ساختن اسلام واقعی با مراجعه به قرآن و سنت سلف صالح و مبارزه با غرب مسیحی را دارند، چرا به جای مبارزه با غرب مسیحی، که به‌زعم آنها دارالحرب و دنیای کفر است و نیز گذاردن توان و نیروی خود برای مبارزه با رژیم صهیونیستی که کیان اسلام را نشانه رفته است، برادران مسلمان خود را نشانه رفته‌اند؟

ادامه از صفحه ۱۰

مسلمانان و تحمل بیشترین خسارات جنگ در خاور میانه

پیامد این جنگ نیابتی فقط سیاسی و نظامی نیست بلکه پیامد مهم‌تر آن فکری، فرهنگی و دینی است. زیرا با این کار چهره‌های بسیار منفور، خشن و ناپسند از اسلام، مسلمانان و بزرگان اسلام به نمایش می‌گذارند و هر کسی بسیار محکم در برابر رواج عقیدتی، فکری و فرهنگی اسلام ایجاد می‌کنند. با این کار با هزینه بسیار کم و هزینه کردن از جیب مسلمانان از مسلمان شدن مردم کشورهای غربی و... پیشگیری می‌کنند. تاسف‌بارتر از همه این است که کشورهای مثل قطر، عربستان، ترکیه و... دانسته یا ندانسته به این خواسته اسرائیل و غربیان هزینه‌های دو طرف از جیب مسلمانان هزینه و پرداخت و تحمل می‌شود. غرب و اسرائیل تنها مقداری هزینه مالی را تحمل می‌کنند.

به‌جای آن که مستقیم با مسلمانان و کشورهایمانند عراق، سوریه، مصر و لبنان بجنگد با ایجاد دولت‌های مجعولی مثل داعش، القاعده و... آنان را واداشته است که به نیابت از او با مسلمانان بجنگند. اکنون داعش صومالیایی‌ها را در مبارزه با اسرائیل در جنگ با مسلمانان هستند. این جنگ برای اسرائیل و غرب بسیار کم هزینه‌تر است. زیرا سربازان نایب از میان جوانان مسلمان انتخاب می‌شوند. کشتگان دو طرف از مسلمانان هستند. منابع مالی بیشتر از مسلمانان هزینه می‌شود. خرابی‌ها و ویرانی‌ها بیشتر در شهرهای مسلمانان است. خلاصه کلام آن که تمام خسارت‌ها و هزینه‌های دو طرف از جیب مسلمانان هزینه و پرداخت و تحمل می‌شود. غرب و اسرائیل تنها مقداری هزینه مالی را تحمل می‌کنند.

